علی یونسی، وزیر اطلاعات دوران اصلاحات:

وزارت اطلاعات نامه شهردار شدن احمدی‌نژاد را مسکوت گذاشت

مهسا جزینی: وزیر مجمع‌نشین، «علی یونسی» را می‌توان وزیر اطلاعات در دوران اصلاحات نام داد که پس از استعفای دری نجف‌آبادی توسط موسوی خوئینی‌ها و مهدی کروبی به خاتمی پیشنهاد شد. استعفای دری نجف‌آبادی پس از بالا گرفتن مبحث قتل‌های زنجیره‌ای در کشور اتفاق افتاد. تلاش برای جذب مخالفان و تبدیل دشمنان به مخالفان وحفظ بیطرفی در منازعات سیاسی از جمله رخدادهای زمان یونسی است. بسیاری معتقدند او توانست وزارت اطلاعات را در دوران خود به هدف نخستینی که در لایحه تاسیس آن تدوین شده بود نزدیک کند. وزارت اطلاعات یکی از آرام‌ترین دوره‌های خود را در زمان علی یونسی ازسر گذراند. تا جایی که خود او هم از عملکرد شش ساله خود بر وزارت اطلاعات راضی است و شاهد آن را هم واکنش‌های مردم می‌داند. او به «شرق» می‌گوید: نشست و جلسه و جمعی نیست که من آنجا حاضر شوم و با تقدیر و تشکر روبه‌رو نشوم. به ویژه آنها که در زمان من به نوعی سر و کارشان با وزارت اطلاعات افتاده است هیچ‌کس تجربه ناخوشایندی در دل ندارد.»

یونسی پیشتر درباره نحوه برخورد با گروه‌های خودسر در دوران اصلاحات گفته بود: «زمانی که من وزیر شدم اعمالم کردم با نیروهای خودسر برخورد می‌کنم. تقریبا به جز دو تا شهر همه جا تعطیل شد.» شاید همه اینها باعث شده بود تا عملکرد او از سوی هاشمی‌رفسنجانی مورد انتقاد واقع شود. تا جایی که خود یونسی گفته است: «وقتی وزیر اطلاعات شدم آقای هاشمی دوبار با من بحث کردند و گفتند شیوه‌ای که شما در وزارت اطلاعات در پیش گرفته‌اید این وزارتخانه را به شهرداری و تشکیلات بی‌حاصیت بدل کرده است که هیچ‌کس نمی‌ترسد و من هم به ایشان یادآور شدم در همه جای دنیا به این روش می‌گویند سرویس اطلاعاتی و ما باید به دنبال این موضوع باشیم که وزارت اطلاعات در خدمت مردم باشد.» او که سابقه فعالیت هم در کارنامه خود دارد همچنان از حامیان اصلاح‌طلبان است و در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام مشغول کار است.

■ من خیلی دوست داشتم گفت‌وگو را با کار شما در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام آغاز کنم. وقتی شنیدم شما را باید اینجا ملاقات کنم اول تعجب کردم، بعد دیدم چندان جای تعجبی نداره در واقع خیلی جالب است که ما می‌بینیم در مجمع و مجموعه‌های وابسته به آن افرادی از طیف‌های مختلف حضور دارند از جمله آقای میرسلیم از حزب مؤتلفه که روزی بحث نخست‌وزیری ایشان در همان اوایل انقلاب در مجلس مطرح بوده تا برخی وزرا و مدیران دولت هاشمی‌رفسنجانی و بعد خاتمی و الان از مغضوبان دولت فعلی و حتی داماد خود آقای احمدی‌نژاد هم در مجمع حضور دارد. این‌طور که مشخص است به‌نظر می‌رسد باید سال آینده ما شاهد حضور مثلا آقای احمدی‌نژاد و مشایی هم در مجمع باشیم. به‌نظر می‌رسد مجمع تشخیص مصلحت نظام هرچه افرادی از سه قوه در سال‌های گذشته دفع شده‌اند را جذب کرده است. این خاصیت به نظر شما ناشی از چیست؟ به ویژگی فکری شخصیتی آقای هاشمی باز می‌گردد یا ناشی از شکل کار مجمع تشخیص مصلحت نظام و تبعا زیرمجموعه‌های تابعه آن است؟

یک روش غلطی که در فضای سیاسی کشور جا افتاده به‌خصوص بعد از هشتسال این است که قلع و قمعی از همه نیروها بکنند. شاید بعد هم نوبت به نیروهای احمدی‌نژاد برسد. در بین آنها قطعا افرادی هم هستند که مستحق برخوردند ولی خیلی از آنها آدم‌های خوبی هستند. احمدی‌نژاد که آمد به همه چیز از منابع انسانی و مدیران تا تجربه چوب حراج زد.

■ به‌نظر می‌رسد که مجمع تشخیص مصلحت نظام توانست از رقیبش از صحنه سیاسی استفاده می‌کند.

خیلی از نیروهای دولتی به اینجا آمدند. بعویژه بانک‌ها و بخش خصوصی خیلی از این فرصت استفاده کردند. پیش پای شما آقایی اینجا بود که مشمول مهروزری این دولت شد و طردش کردند. اما الان در یک شرکت خصوصی ماهی ۱۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرد. یک خیلی از مراکز تحقیقاتی مانند مرکز تحقیقات استراتژیک نظام از این نیروها به خوبی استفاده کردند اما حب این شامل همه طردشدگان که نمی‌شود. خیلی از آنها در خانه‌هایشان به امید یک تماس تلفنی و رجوع کار خانه‌نشین شده‌اند.

■ اتفاقا سوال دوم ما هم درباره انتخابات است و هم ربط دارد به حوزه کاری شما در دولت خاتمی. در بین افرادی که تاکنون اعلام تمایل قطعی یا ضمنی برای ورود به انتخابات کرده‌اند و تعدادشان هم روزبه‌روز در حال افزایش است ما با دو نفر روبه‌رو هستیم که پیشینه کار اطلاعاتی امنیتی دارند. آقای فلاحیان که در دوره آقای هاشمی وزیر اطلاعات بوده و آقای پورمحمدی هم که معاون این وزارتخانه بوده‌اند. در شرایطی که حتی به دلیل چندان عرف نیست که افرادی با پیشینه اطلاعاتی وارد حوزه مدیریت اجرایی کشور شوند. دوست داشتیم نظر شما را در این خصوص بدانیم. به نظر شما ورود افرادی با این پیشینه به فضای انتخابات درست است یا خیر؟

فکر نمی‌کنید سوالتون را از جای خوبی شروع نکرده‌اید؟

■ به هر حال سوال است دیگر.

من موافق هستم که وارد این بحث بشویم اما نه الان.

■ چرا؟

چون امسال سال انتخابات و سال سرنوشت‌سازی است و هر هشت سال یکبار یک خاتم‌کاری در کشور رخ می‌دهد و جابه‌جایی قدرت صورت می‌گیرد و دولت‌ها عوض می‌شوند. یک چنین جابه‌جایی قدرت لازم است صورت بگیرد اما این جراحی هم اگر درست انجام نشود جهیبه به پیکر جامعه زیان و ضرر کلاهی وارد کند. اگر خوب جراحی شود مشکل حل می‌شود و اگر به جراحی شود چه بسا ضررها و زیان‌هایی که دارد به مراتب بیشتر است. انتخابات تنها‌ترین یا بهترین راه ورود نیروهای تازه نفس و جدید و ورود یک هوای تازه برای تنفس جامعه است و در ایران خیلی هم سابقه ندارد. ما در مساله انتخابات و مردمسالاری خیلی نوپا هستیم و کودک و رفتارمان هم کودکانه است.

■ یعنی چی؟

اتفاقات کشور بیش از اینکه ناشی از هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی دشمن باشد ناشی از قصور و درک ساده و بسیط از مسایل سیاسی است. خیلی‌ها براساس اعتقادات و انگیزه‌هایشان زود نگران می‌شوند و از رقابت‌های سیاسی تلقی دشمنی سیاسی می‌کنند. نمونه‌اش را هم در خودامدها زیاد شاهد هستیم که این اختلافات سیاسی گاه چه بر سر خانواده‌ها آورده و به خصومت‌ها و قهرهای خانوادگی منجر شده

> **غیر از آقای باهنر خیلی‌های دیگر از سران اصولگرا که الان با آقای احمدی‌نژاد شدیدا درگیری دارند تماس گرفتند و خواستار تایید صلاحیت ایشان شدند. خیلی‌ها که الان به صورت غیرمعمول به او حمله می‌کنند و همه آن روش‌هایی که اصولگرایان و در راس آنها آقای احمدی‌نژاد علیه رقیبایشان به‌کار می‌برد**

است. خیلی وقت‌ها پیوندها و مراسم‌ها را هم متاثر می‌کند. خیلی وقت‌ها در نحوه جذب وتبلیغ و برخوردهای تبلیغاتی قبیله‌ای عمل می‌کنیم مثل عصر قبایل. همین رقابت عادی که در همه جا وجود دارد در مدارس بین بچه‌ها هم هست و وقتی وارد حوزه سیاست می‌شود تبدیل به رقابت ایدئولوژیکی و دشمنی می‌شود و گاهی برخی روحانیون در این خصوص شبیه‌سازی تاریخی کرده و یک گروه را تشبیه می‌کنند به یک جریان ضد اسلامی و فتوا صادر می‌کنند.

■ مثلا به خوارج تشبیه می‌کنند؟

بله. متاسفانه گاهی یک گروه سیاسی از این ابزار برای بیرون راندن رقیب از صحنه سیاسی استفاده می‌کند.

■ خب اینکه این تشابه‌سازی‌ها در حد حرف و سخن اتفاق می‌شود شاید خیلی مساله‌ساز نباشد. مشکل آنجایی است که اینها بالقوه می‌تواند مبنای برخی تصمیم‌گیری‌ها و حتی برخی افراد و گروه‌ها شود. سوال این است که چرا این‌طور می‌شود؟

به این دلیل است ما در مساله دموکراسی و رقابت در اداره کشور طبق اصول و قواعد عمل نمی‌کنیم و عوامله و کودکانه عمل می‌کنیم. اولا نخستین ایراد این است که احزاب ملی در کشور ما تقریبا وجود ندارد. الان سه علت فقدان احزاب ملی ما این روزها با فاجعه روبه‌رو هستیم این همه کاندیدا برای تصاحب پست ریاست‌جمهوری برای چیست؟ تعبیر خیرالزاید نهضت کاندیداتوری این روزها رایج شده است. در کجای دنیا این شیوه سابقه دارد؟ اگر حزب بود آن احزاب در داخل رقابت‌های درون‌حزبی خودشان، کسی را که بیشترین طرفدار دارد عرضه می‌کردند.

■ این را ناشی از این نمی‌دانید که از همان ابتدای انقلاب فرهنگ حزب‌سازی، رشد کرد و تبلیغ شد؟ اینکه مدام گفته شد احزاب دنبال منافع گروهی و حزبی خودشان هستند و به منافع مردم توجه ندارند و...

این هم ناشی از همین است. بعد ازانقلاب حزب جمهوری اسلامی درست شد. مرحوم شهید بهشتی دبیرش بودند. رهبری و آقای هاشمی از بنیانگذارانش بودند و تا مدت‌زمانی احزابی مثل حزب توده هم فعال بودند. فرهنگ حزب‌سنیزی را خیلی به این غلیظی که شما گفتید قبول ندارم. ما مشکل کار جمعی داریم و همین مساله باعث می‌شود که نتوانیم در حزب هم درست کار کنیم. ریشه در فردمحوری و خودمحوری فرهنگ ما دارد. دولت باید حزب را تقویت می‌کرد، بودجه می‌داد و انتقادات احزاب را تحمل می‌کرد.

این اشکال جدی هست که الان متاسفانه هیچ کاندیدایی نمی‌آید وعده تقویت احزاب را بدهد. در زمان اصلاحات احزاب جان گرفتند و شاهد بودم که آقای خاتمی به احزاب منتقد و مخالفش هم کمک می‌کرد.

■ خب دولت اخیر برخلاف دولت قبلی، کاملا نگاه مغایر فعالیت حزبی دارد. احمدی‌نژاد مدعی شد که مردمی است و نه حزبی و گروهی و این مردمی‌بودن را درست در تقابل با حزبی‌بودن قرار داد گویا که این دو ضد هم هستند. حالا کاری به این نداریم که آیا در واقعیت هم احمدی‌نژاد آن‌طور که خودش مدعی بود واقعا بدون پشتوانه جریان و گروه و حزب جلو آمد در حالی که همه می‌دانیم جریان‌های اصولگرایی پشتش بودند، اما چیزی که در افواه اتفاخت، این بود که من تعلقات حزبی و گروهی ندارم و این را هم به‌عنوان یک ویژگی مثبت طرح می‌کرد. عقلش هم آن بود که زمینه برای چنین ذهنیتی در جامعه ما وجود داشت و او متوجه این نکته شده بود.

البته مردمی بودن حسن است. ممکن است فردی هم‌حزبی باشد. هم‌مردمی یا ممکن است حزبی باشد و مردمی نباشد. خیلی احزاب هم افتخارشان به مردمی بودن است، اما آقای احمدی‌نژاد با کمک تشکل‌های خاص و جریان‌های راست رای آورد.

■ اما احمدی‌نژاد تاکید می‌کند یک‌تنه و با اتکا به توانایی خودش رای آورده است.

بله درست است که حزبی او را کاندیدا نکرد اما همه جریان‌های راست به او کمک کردند. وقتی ایشان می‌خواست شهردار شود مکرر مورد حمایت قرار گرفت. آقای باهنر که از چهره‌های معروف جناح راست است زمانی که من وزیر اطلاعات بودم، مکرر برای حمایت از احمدی‌نژاد جهت شهردار شدن کمک می‌خواست.

■ چه کمکی؟

برای شهردار شدن ایشان نیاز به تایید وزارت اطلاعات داشت که وزارت اطلاعات نمی‌توانست این کار را بکند.

■ می‌شود بیشتر توضیح دهید؟

وارد جزییات نمی‌شوم. این بحث‌ها گفته شده است. آقای باهنر سه‌بار علیه من مصاحبه کرد و یکبار گفت که در وزارت اطلاعات را باید گل بودم همه انتظار داشتند که خیر بشت پرده در مورد افراد را بگویم. همان زمان برخی روحانیون و رقبای سیاسی در دوران اصلاحات چنین کاری کنم. یادم هست رفته بودم فم نو نزد یک نور فو و او از من خواست که سندی علیه یکی از این افراد یکی رو کنم تا مثلا رویش بکشم. من گفتم در این صورت کار من که از کار او بدتر است. خیلی‌ها فکر می‌کنند که این کار خوبی است و الان هم بعضی‌ها هست که من را دعوت می‌کنند که من در اختیار دارد با کسی کرده است برای وزیر مبادا در حالی که من حامل اسرار جمهوری اسلامی هستم و باید بدانید حفظشان کنم.

■ خب اگر موافق باشید ما از همین‌جا برگردیم به همان سوالی که من در ابتدای بحث پرسیدم. در شرایطی که خودتان می‌گویید این افراد حامل اسرار یک کشور هستند و باید تا ابد حفظشان کنند آیا در شرایطی که به قول خود شما این روزها اصلاح‌طلبان و روحانیون به حوزه کار مدیریت اجرایی کشور درست است؟ آن هم در شرایطی که به قول خود شما این روزها اصلاح‌طلبان آن نقشی نداشته است. وقایع به‌طور زنده از رادیو در حال پخش بود. آیا دستگاه‌های مسیوق طیفهای در این شرایط ایشان را فقط باید با اصحاب رسانه برخورد شود؟

وظیفه وزارت اطلاعات تشکیل حرکت‌های برانداری و توطئه‌ها و جاسوسی و جرایم ضد ملی است نه اینکه ببینند من یا شما چه می‌گوییم. اینها کار وزارت اطلاعات نیست. کارهای ضد اخلاقی که صورت گرفت حتی گاهی از تریبون نماز جمعه و منابر و مساجد و حتی مطبوعات هم. حالا روزنامه‌ها منتشر می‌شد. همین که گفته می‌شد فلان شخص متهم به فلان کار است کافی بود تا اروی یک خانواده برای همیشه بهور و احیا نشود. من در زمان خیلی تلاش کردم تا این کار نشود. بعد از انقلاب هم نیروها به خوبی استفاده کردند اما حب این شامل همه طردشدگان که نمی‌شود. خیلی از آنها در خانه‌هایشان به امید یک تماس تلفنی و رجوع کار خانه‌نشین شده‌اند.

■ اتفاقا سوال دوم ما هم درباره انتخابات است و هم ربط دارد به حوزه کاری شما در دولت خاتمی. در بین افرادی که تاکنون اعلام تمایل قطعی یا ضمنی برای ورود به انتخابات کرده‌اند و تعدادشان هم روزبه‌روز در حال افزایش است ما با دو نفر روبه‌رو هستیم که پیشینه کار اطلاعاتی امنیتی دارند. آقای فلاحیان که در دوره آقای هاشمی وزیر اطلاعات بوده و آقای پورمحمدی هم که معاون این وزارتخانه بوده‌اند. در شرایطی که حتی چندان عرف نیست که افرادی با پیشینه اطلاعاتی وارد حوزه مدیریت اجرایی کشور شوند. دوست داشتیم نظر شما را در این خصوص بدانیم. به نظر شما ورود افرادی با این پیشینه به فضای انتخابات درست است یا خیر؟

فکر نمی‌کنید سوالتون را از جای خوبی شروع نکرده‌اید؟

■ به هر حال سوال است دیگر.

من موافق هستم که وارد این بحث بشویم اما نه الان.

■ چرا؟

چون امسال سال انتخابات و سال سرنوشت‌سازی است و هر هشت سال یکبار یک خاتم‌کاری در کشور رخ می‌دهد و جابه‌جایی قدرت صورت می‌گیرد و دولت‌ها عوض می‌شوند. یک چنین جابه‌جایی قدرت لازم است صورت بگیرد اما این جراحی هم اگر درست انجام نشود جهیبه به پیکر جامعه زیان و ضرر کلاهی وارد کند. اگر خوب جراحی شود مشکل حل می‌شود و اگر به جراحی شود چه بسا ضررها و زیان‌هایی که دارد به مراتب بیشتر است. انتخابات تنهاترین یا بهترین راه ورود نیروهای تازه نفس و جدید و ورود یک هوای تازه برای تنفس جامعه است و در ایران خیلی هم سابقه ندارد. ما در مساله انتخابات و مردمسالاری خیلی نوپا هستیم و کودک و رفتارمان هم کودکانه است.

■ یعنی چی؟

اتفاقات کشور بیش از اینکه ناشی از هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی دشمن باشد ناشی از قصور و درک ساده و بسیط از مسایل سیاسی است. خیلی‌ها براساس اعتقادات و انگیزه‌هایشان زود نگران می‌شوند و از رقابت‌های سیاسی تلقی دشمنی سیاسی می‌کنند. نمونه‌اش را هم در خودامدها زیاد شاهد هستیم که این اختلافات سیاسی گاه چه بر سر خانواده‌ها آورده و به خصومت‌ها و قهرهای خانوادگی منجر شده

> **غیر از آقای باهنر خیلی‌های دیگر از سران اصولگرا که الان با آقای احمدی‌نژاد شدیدا درگیری دارند تماس گرفتند و خواستار تایید صلاحیت ایشان شدند. خیلی‌ها که الان به صورت غیرمعمول به او حمله می‌کنند و همه آن روش‌هایی که اصولگرایان و در راس آنها آقای احمدی‌نژاد علیه رقیبایشان به‌کار می‌برد**

است. خیلی وقت‌ها پیوندها و مراسم‌ها را هم متاثر می‌کند. خیلی وقت‌ها در نحوه جذب وتبلیغ و برخوردهای تبلیغاتی قبیله‌ای عمل می‌کنیم مثل عصر قبایل. همین رقابت عادی که در همه جا وجود دارد در مدارس بین بچه‌ها هم هست و وقتی وارد حوزه سیاست می‌شود تبدیل به رقابت ایدئولوژیکی و دشمنی می‌شود و گاهی برخی روحانیون در این خصوص شبیه‌سازی تاریخی کرده و یک گروه را تشبیه می‌کنند به یک جریان ضد اسلامی و فتوا صادر می‌کنند.

■ مثلا به خوارج تشبیه می‌کنند؟

بله. متاسفانه گاهی یک گروه سیاسی از این ابزار برای بیرون راندن رقیب از صحنه سیاسی استفاده می‌کند.

■ خب اینکه این تشابه‌سازی‌ها در حد حرف و سخن اتفاق می‌شود شاید خیلی مساله‌ساز نباشد. مشکل آنجایی است که اینها بالقوه می‌تواند مبنای برخی تصمیم‌گیری‌ها و حتی برخی افراد و گروه‌ها شود. سوال این است که چرا این‌طور می‌شود؟

به این دلیل است ما در مساله دموکراسی و رقابت در اداره کشور

طرح از آقای هاشمی گذشت که تعدادی از جولان انقلابی فعال در نهادهای امنیتی به فکر تاسیس یک نهاد مستمرکز اطلاعاتی افتادند. در دوران انقلاب و با انحلال سازمان اطلاعات‌وامنیت رژیم گذشته، وظایف امنیتی در نهادهای مختلف پخش شد. ابتدا کمیته‌ها بعد سپاه، سپس سازمان اطلاعات نخست‌وزیری و ارتش و در کنار آنها برخی قضات هم هریک برای خود کار جنوب اطلاعاتی و امنیتی می‌کردند؛ موقعیتی که «سعید حجاریان» از پایه‌گذاران اطلاعات از آن به عنوان وضعیت «هلوک الطوایفی» یاد می‌کند. در نهایت طرحی از دفتر نخست‌وزیری به مجلس ارایه می‌شود تا وزارت اطلاعات مستقل بگیرد. از زمان برخی معتقد بودند که فعالیت‌های امنیتی اطلاعاتی باید در سپاه متمرکز شود و برخی دیگر طرفدار تمرکز آن در قوه قضاییه بودند.

شعار «افشا باید گردد» کلی جاذبه داشت. زمانی هم که من وزیر اطلاعات بودم همه انتظار داشتند که خیر بشت پرده در مورد افراد را بگویم. همان زمان برخی روحانیون و رقبای سیاسی در دوران اصلاحات چنین کاری کنم. یادم هست رفته بودم فم نو نزد یک نور فو و او از من خواست که سندی علیه یکی از این افراد یکی رو کنم تا مثلا رویش بکشم. من گفتم در این صورت کار من که از کار او بدتر است. خیلی‌ها فکر می‌کنند که این کار خوبی است و الان هم بعضی‌ها هست که من را دعوت می‌کنند که من در اختیار دارد با کسی کرده است برای وزیر مبادا در حالی که من حامل اسرار جمهوری اسلامی هستم و باید بدانید حفظشان کنم.

■ خب اگر موافق باشید ما از همین‌جا برگردیم به همان سوالی که من در ابتدای بحث پرسیدم. در شرایطی که خودتان می‌گویید این افراد حامل اسرار یک کشور هستند و باید تا ابد حفظشان کنند آیا در شرایطی که به قول خود شما این روزها اصلاح‌طلبان و روحانیون به حوزه کار مدیریت اجرایی کشور درست است؟ آن هم در شرایطی که به قول خود شما این روزها اصلاح‌طلبان آن نقشی نداشته است. وقایع به‌طور زنده از رادیو در حال پخش بود. آیا دستگاه‌های مسیوق طیفهای در این شرایط ایشان را فقط باید با اصحاب رسانه برخورد شود؟

وظیفه وزارت اطلاعات تشکیل حرکت‌های برانداری و توطئه‌ها و جاسوسی و جرایم ضد ملی است نه اینکه ببینند من یا شما چه می‌گوییم. اینها کار وزارت اطلاعات نیست. کارهای ضد اخلاقی که صورت گرفت حتی گاهی از تریبون نماز جمعه و منابر و مساجد و حتی مطبوعات هم. حالا روزنامه‌ها منتشر می‌شد. همین که گفته می‌شد فلان شخص متهم به فلان کار است کافی بود تا اروی یک خانواده برای همیشه بهور و احیا نشود. من در زمان خیلی تلاش کردم تا این کار نشود. بعد از انقلاب هم

در چنین مواردی هم اگر تشخیص دهد ورد شود؟

این حرف درستی نیست. منافره مستقیم را که کسی نمی‌تواند جلویش را بگیرد.

■ منظور کل روبه‌ای بود که در منافره‌های بعدی هم پی گرفته شد؟

همه هشدار دادند که من هم بلافاصله هشدار دادم من که مسوولیتی نداشتم. متاسفانه به کار گیری روش‌های شخادثافی در منازعات و رقبای‌های سیاسی نهادینه شد و زشتی آن دیگر کمرنگ شده و درصد دیگر غیرت نمی‌دانند.

■ نقطه اوج آن را ما در قضیه استیضاح وزیر مجلس داشتیم. من همین‌جا می‌خواستم این سوال را مطرح کنم که روزنامه‌نگاران و فعالان حوزه رسانه مدام به این متهم می‌شوند که در حال ساختمانی از اوضاع هستند در حالی که برخی افراد دولت صحبت‌ها و رفتار خود مسوولان مثل قضیه آرو زنا استیضاح، قضایی را ترسیم کرد که اصلا زیبنده نبود و هیچ خبرنگاری هم در انعکاس آن نقشی نداشته است. وقایع به‌طور زنده از رادیو در حال پخش بود. آیا دستگاه‌های مسیوق طیفهای در این شرایط ایشان را فقط باید با اصحاب رسانه برخورد شود؟

وظیفه وزارت اطلاعات تشکیل حرکت‌های برانداری و توطئه‌ها و جاسوسی و جرایم ضد ملی است نه اینکه ببینند من یا شما چه می‌گوییم. اینها کار وزارت اطلاعات نیست. کارهای ضد اخلاقی که صورت گرفت حتی گاهی از تریبون نماز جمعه و منابر و مساجد و حتی مطبوعات هم. حالا روزنامه‌ها منتشر می‌شد. همین که گفته می‌شد فلان شخص متهم به فلان کار است کافی بود تا اروی یک خانواده برای همیشه بهور و احیا نشود. من در زمان خیلی تلاش کردم تا این کار نشود. بعد از انقلاب هم

■ در چنین مواردی هم اگر تشخیص دهد ورد شود؟

این حرف درستی نیست. منافره مستقیم را که کسی نمی‌تواند جلویش را بگیرد.

■ منظور کل روبه‌ای بود که در منافره‌های بعدی هم پی گرفته شد؟

همه هشدار دادند که من هم بلافاصله هشدار دادم من که مسوولیتی نداشتم. متاسفانه به کار گیری روش‌های شخادثافی در منازعات و رقبای‌های سیاسی نهادینه شد و زشتی آن دیگر کمرنگ شده و درصد دیگر غیرت نمی‌دانند.

■ نقطه اوج آن را ما در قضیه استیضاح وزیر مجلس داشتیم. من همین‌جا می‌خواستم این سوال را مطرح کنم که روزنامه‌نگاران و فعالان حوزه رسانه مدام به این متهم می‌شوند که در حال ساختمانی از اوضاع هستند در حالی که برخی افراد دولت صحبت‌ها و رفتار خود مسوولان مثل قضیه آرو زنا استیضاح، قضایی را ترسیم کرد که اصلا زیبنده نبود و هیچ خبرنگاری هم در انعکاس آن نقشی نداشته است. وقایع به‌طور زنده از رادیو در حال پخش بود. آیا دستگاه‌های مسیوق طیفهای در این شرایط ایشان را فقط باید با اصحاب رسانه برخورد شود؟

وظیفه وزارت اطلاعات تشکیل حرکت‌های برانداری و توطئه‌ها و جاسوسی و جرایم ضد ملی است نه اینکه ببینند من یا شما چه می‌گوییم. اینها کار وزارت اطلاعات نیست. کارهای ضد اخلاقی که صورت گرفت حتی گاهی از تریبون نماز جمعه و منابر و مساجد و حتی مطبوعات هم. حالا روزنامه‌ها منتشر می‌شد. همین که گفته می‌شد فلان شخص متهم به فلان کار است کافی بود تا اروی یک خانواده برای همیشه بهور و احیا نشود. من در زمان خیلی تلاش کردم تا این کار نشود. بعد از انقلاب هم

درباره حال و روز فعلی پنج وزیر اطلاعات

همه آقایان وزارتخانه

چند سالی از انقلاب می‌گذشت که تعدادی از جولان انقلابی فعال در نهادهای امنیتی به فکر تاسیس یک نهاد مستمرکز اطلاعاتی افتادند. در دوران انقلاب و با انحلال سازمان اطلاعات‌وامنیت رژیم گذشته، وظایف امنیتی در نهادهای مختلف پخش شد. ابتدا کمیته‌ها بعد سپاه، سپس سازمان اطلاعات نخست‌وزیری و ارتش و در کنار آنها برخی قضات هم هریک برای خود کار جنوب اطلاعاتی و امنیتی می‌کردند؛ موقعیتی که «سعید حجاریان» از پایه‌گذاران اطلاعات از آن به عنوان وضعیت «هلوک الطوایفی» یاد می‌کند. در نهایت طرحی از دفتر نخست‌وزیری به مجلس ارایه می‌شود تا وزارت اطلاعات مستقل بگیرد. از زمان برخی معتقد بودند که فعالیت‌های امنیتی اطلاعاتی باید در سپاه متمرکز شود و برخی دیگر طرفدار تمرکز آن در قوه قضاییه بودند.

اما در کوران اظهارنظرهای موافقان و مخالفان شکل‌گیری وزارتخانه‌ای متمرکز با هدف تعقیب فعالیت‌های امنیتی و اطلاعاتی زیر نظر دولت، ناگهرچه طرح رای می‌آورد و وزارتخانه تشکیل می‌شود؛ وزارتخانه‌ای که در سال ۶۳ تشکیل شد و در این ۲۹ سال تاکنون شش وزیر به خود دیده است. اما آنچه بر وزرای اطلاعات ایران گذشته است یک نیرنگ است که از جنوب پایتخت و زادگاه خود به تولیت استان«شاه عبدالعظیم» مشغول است، دومی نماینده مجلس خبرگان است و قصد دارد بست ریاست‌جمهوری را هم برای دومین بار امتحان کند. سومی که ایران در دو سال در مسند وزیر اطلاعات اصلاح‌طلبان باقی نماند، هم‌اکنون همه فعالیت‌های چهارمی که وزیر دوران اصلاحات است درمرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت

نشسته است. وزیر پنجم که منتقد نرم دولت احمدی‌نژاد است، دادستان کل کشور است و ششمین وزیر، همچنان در مصدر کار است. با این تفاوت که یک استعفای کوتاه و پرماجرا از هم پشت سر گذراند از شش وزیر اطلاعاتی که جمهوری اسلامی به خود دیده است، سه نفر از اهالی اصفهانند. تاکنون دو نفر مدعی شده‌اند که قرار بوده به عنوان نخستین وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی انتخاب شوند اما به دلایلی این‌طور نشده است و دیگر اینکه سه نفر آنها یعنی؛ علی فلاحیان، مصطفی پورمحمدی و علی یونسی از فارغ‌التحصیلان مدرسه حقانی هستند. اگرچه علی یونسی چهارمین وزیر اطلاعات، معتقد است این پیشینه مدرسه حقانی برای سه وزیر نه برنامه‌ریزی شده، بلکه کاملا اتفاقی بوده است.

عکس‌ها: آرشیو هنر، شرق

وسط دعواهایش آن هم با این ادبیات، حرف‌هایی بزنیم و کارهایی کنیم که این‌طور مجبور به هزینه دادن شویم. مساله همه‌ای را می‌شد بهتر مدیریت کرد. درحالی که همین پرونده با مدیریت دکتر روحانی زمان اصلاحات به‌گونه‌ای پیش رفت که ما اصلا توجیه نشدیم. آقای دکتر روحانی توانست هم فناوری هسته‌ای را حفظ و ارتقا دهد و هم اعتماد نسبی آنها را به دست آورد و هم مانع تحریم شود و ما می‌توانستیم این راه را ادامه دهیم. اگر زمان هم دیپلماسی کشور در خدمت دیپلماسی هسته‌ای بود. اگر زمان هم دیپلماسی کشور در خدمت دیپلماسی هسته‌ای بود و خبری که پخش می‌شود قیمت دلار یکی بالا می‌رود. ما می‌توانستیم درست عمل کنیم که این اتفاق نیفتد. ما به انتخاباتی نیاز داریم که بتوانند این مشکل را حل کنند و مساله خارجی ما، مساله انرژی و تحریم ما را حل کند. اشتقاق داخلی را حل کند. این انتخابات به چنین مجری‌ای نیاز دارد و این است که امنیت می‌آورد درحالی که الان کسی چنین حسی ندارد و هر روز حلقه محاصره علیه ما تنگ‌تر می‌شود.

■ آیا شخص یا اشخاص یا جریان‌هایی که به قول شما بتوانند این خلأ را پر کنند مهیا می‌بینید؟

من فکر می‌کنم صحبت‌های نوروزی رهبری که از همه سلایق مختلف برای حضور در انتخابات دعوت کردند وگفتند کسی بیاید که خوبی‌های این رییس‌جمهوری را داشته باشد و معایبش را نداشته باشد خیلی شفاف بود. ایشان رسما اعلام کردند که نظر خاصی نسبت به کاندیدای خاصی ندارند و این خیلی‌خوب است. چه پیامی واضح‌تر از این؟ جریان‌های سیاسی که می‌خواهند قهر کنند، دارند فرصت‌های تاریخی را از دست می‌دهند. باید دید چه کسانی در این مقطع تاریخی ماسیلند که انتخاب شوند. شاید خیلی‌ها ایده‌آل ما باشند ولی کسی باید انتخاب شود که مناسب با شرایط فعلی باشد.

■ البته اشخاصی اخیرا صحبت‌هایی داشته‌اند مبنی بر اینکه نامزدهای اصلاح‌طلبی مانند خاتمی احتمالا نباید به حضور در انتخابات شکل کنند چون حتماً رد صلاحیت می‌شوند.

شورای نگهبان رسما اعلام کرده که از پیش نمی‌تواند چنین چیزی را اعلام کند. من خودم آمدن هاشمی و خاتمی را به دلایل امنیتی مصلحت نمی‌دانم و معتقدم هرکسی دو دوره رییس‌جمهور بوده، دیگر نامزد نشود و شخصیت‌های دیگری بیایند. شرایط امنیتی ما به‌گونه‌ای است که باید به ثبات فکر شود تا به شخص این‌طور نیست که جمهوری اسلامی در دو، سه نفر خلاصه شود. نیروهای فراوانی هستند که می‌توانند زمام کشور را در دست گیرند. اگر روش‌ها را اصلاح کنیم، مدیر زیاد است. متاسفانه تفکری در کشور ما وجود دارد که در تقسیم‌بندی‌های سیاسی، مثلث فکر نمی‌کنیم بلکه منثی فکر می‌کنیم. دوست یا دشمن. شق سومی هم ندارد. درحالی که در تقسیم‌بندی‌های اجتماعی سیاسی این‌طور نیست. دوست، رقیب و دشمن داریم. مخالف دشمن نیست اما در فرهنگ خیلی از مدیران، مسوولان و سیاسیون ما، مخالف و دشمن یکی است.

■ آیا به این دلیل نیست که دایره تعریف «مخالف»، «رقیب» و... در قوانین ما شفاف و روشن نیست؟

اتفاقا قانون اساسی فرصت داده که احزاب باشند و حقوق ملی محترم شمرده شده و آزادی بیان، زبان و عقیده در اصول حقوق ملت آمده و حتی جرم سیاسی را قبول کرده است و مجرم سیاسی از حرمت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین محاکمه مجرم سیاسی با تشریفات ویژه‌ای صورت می‌گیرد که متاسفانه الان رعایت نمی‌شود.

■ گویا اتهاماتی مانند تبلیغ علیه نظام یا تشویش اذهان عمومی یا... را در دایره جرم سیاسی تعریف نمی‌کنند. گویا اینکه اصلا هیچ جرمی تحت‌عنوان «سیاسی» تعریف نمی‌شود.

خیر اینها جرم سیاسی است. حتی شرکت در تجمع و راهپیمایی نداریم. یعنی هنوز اهمیتی غیرقانونی هم پیدا نکرده‌ایم. هم‌زمان با این که همه از آن نیرو دارند در تجربه هستیم و دنیا در برابر ما قرار گرفته است. سومدیریت، نقش اساسی در هر دو زاویه دارد. دولت تلاش دارد بگوید که این تجربه‌ها تاریخ‌پاداری بیش نیست اما الان می‌گوید که مشکلات همه ناشی از تجربه‌هاست و یک تعبیر سبک هم به‌کار برد که اینفلر قطعنامه دهید که قطعنامه‌دادنال پاره شود. ما این ادبیات ناشایست دنیا از قطعنامه‌ها و تحریم‌ها استقبال کرد. آمدند مباحثی را که ضروتی نداشت طرح کردند؛ چرا ما باید گناه «نژادی‌ها را بشوییم»؟ یک گروه نوازبیست خشن، ضد گروه نوازبیست خشن دیگری کاری کرده است که حالا ما بیاییم خرابی به عنوان رییس دفتر کار را شروع کرد. آن زمان روی سعید امامی حسابیت بود و من به او که معاونت بسریی بود، حکم مشاوره دادم.

وزیر اطلاعات دوسال اول دولت اصلاحات ایمن روزها از منتقدان دولت دهم است. کسانی که برای افتتاح یکی از پروژه‌های مهم‌مادر که افشای قتل‌های زنجیره‌ای در سال ۷۸ از دولت جدا شد.